

## گفتمان اعتدال و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

اصغر شکری مقدم<sup>۱</sup>، سیده‌مطهره حسینی<sup>۲</sup>

### چکیده

مقاله حاضر بر اساس نظریه گفتمان تدوین شده و به دنبال ارزیابی تغییرات گفتمانی سیاست خارجی ج.ا. ایران است. از خرداد ۱۳۶۰ تاکنون شاهد تغییر در درون گفتمان اسلام‌گرای انقلابی هستیم. در این بازه زمانی اصول اصلی حاکم بر سیاست خارجی تغییر و دگرگونی خاصی نداشته است. خرده‌گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، که همگی زیرمجموعه‌ی ابرگفتمان اسلام‌گرایی انقلابی هستند، از سال ۱۳۶۰ تا قبل از دولت روحانی، به پنج گفتمان زیر تقسیم می‌کنیم: گفتمان آرمان‌گرایی امت‌محور؛ گفتمان مصلحت‌گرایی مرکز‌محور؛ گفتمان واقع‌گرایی اسلامی؛ گفتمان صلح‌گرایی مردم‌سالار؛ اصول‌گرایی عدالت‌محور؛ در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که از زمان روی کار آمدن دولت دکتر حسن روحانی در خرداد ۱۳۹۲ چه گفتمانی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد؟ و به تبع آن این گفتمان چگونه مفصل‌بندی شده و دارای چه عناصری است؟ به نظر می‌رسد با ریاست جمهوری حسن روحانی در خرداد ۱۳۹۲ گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور بر سیاست خارجی ایران حاکم شد. در این گفتمان اعتدال دال مرکزی بوده و عناصر عقلانیت، تنش‌زدایی، صلح‌گرایی، توسعه، منافع ملی و فراملی، پرستیژ بین‌المللی و تعامل حول دال مرکزی این گفتمان، مفصل‌بندی شده است. این پژوهش بصورت تحلیلی توصیفی و به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

**کلمات کلیدی:** گفتمان، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، اعتدال، حسن روحانی، تعامل، عقلانیت.

### مقدمه

سیاست خارجی یکی از مناقشه برانگیزترین حوزه‌های سیاست گذاری در دنیاست و از جمله موضوعات علمی است که از دیرباز ذهن تحلیلگران مسائل بین‌المللی را به خود مشغول داشته است. سیاست خارجی به مثابه یک امر عمومی بر تمام حوزه‌های

<sup>۱</sup> کارشناس مسائل استراتژیک. As.shokri.m@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار علوم سیاسی دانشگاه پیام نور البرز، ma\_hoseyni@yahoo.com

اصولی زندگی اجتماعی یعنی امنیت علمی، توسعه، رفاه اقتصادی، و همچنین ارزش‌ها، و باورهای فرهنگی تأثیر مستقیم دارد و روز به روز پیوند بین سیاست داخلی و خارجی در سرتاسر جهان بیش‌تر می‌شود. بنابر تعریف فوق سیاست خارجی شامل دو قسمت مجزا می‌باشد:

(۱) اهداف ملی که هر کشوری در صحنه بین‌المللی تعقیب می‌کند و درصدد تحصیل آن‌ها می‌باشد؛

(۲) سیاست‌ها و روش‌هایی که برای رسیدن به اهداف مزبور اتخاذ و اعمال می‌گردد (مفتدر، ۱۳۷۰).

از آن جایی که اهداف سیاست خارجی متفاوت و با توجه به فرهنگ، تاریخ، نظام سیاسی و اقتصادی هر کشور طراحی می‌شود، این اهداف می‌تواند کسب قدرت بیش‌تر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و یا مسائل مربوط به همکاری در زمینه جنگ و صلح، تسلیحات نظامی، امنیت و منافع ملی، منطقه‌ای و جهانی و یا رفاه عمومی باشد.

به عبارت دیگر، سیاست خارجی هر کشور دارای یک سری اهداف می‌باشد و این اهداف در جهت خواسته‌هایی انجام می‌گیرد که بیش‌ترین منابع و امکانات را برای کشورها به ارمغان آورد. وسعت سرزمینی، منابع طبیعی، کیفیت و کمیت جمعیتی، ماهیت نظام سیاسی، روحیه ملی، شخصیت رهبران سیاسی، هویت تاریخی و فرهنگی، ایدئولوژی، نظام اقتصادی، میزان رفاه و کیفیت زندگی و الگوهای توسعه، از جمله مهم‌ترین فاکتورهایی هستند که تأثیر تعیین‌کننده در اهداف سیاسی خارجی دارد. ساختار نظام بین‌المللی، الگوهای روابط میان کشور (خصمانه یا دوستانه) محیط امنیتی، ایدئولوژی غالب، الگوهای توسعه جهانی، جایگاه نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های چند ملیتی، الگوهای اتحاد و ائتلاف و نیز کنش دیگر بازیگران عرصه بین‌المللی فاکتورهایی هستند که هر یک به‌گونه‌ای بروندهای سیاست خارجی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از بهمن ۱۳۵۷ تاکنون بر اساس ایدئولوژی اسلامی شکل گرفته است و به دنبال دستیابی به منافع فراملی و ملی بوده است. در طول تاریخ جمهوری اسلامی ایران با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی و شرایط محیط بین‌المللی و مقدرات ملی شاهد تغییراتی در سیاست خارجی هستیم. این تغییرات مخصوصاً با روی کار آمدن دولت‌های مختلف در ایران بیش‌تر قابل مشاهده است. در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال هستیم که از زمان روی کار آمدن دولت دکتر حسن روحانی در خرداد ۱۳۹۲ چه گفتمانی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد؟ و به تبع آن این گفتمان چگونه مفصل‌بندی شده و دارای چه عناصری است؟

این پژوهش بصورت تحلیلی توصیفی و به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

## ۱- چارچوب نظری: نظریه‌ی گفتمان

به‌طور کلی می‌توان سه نوع تحلیل گفتمانی را از یکدیگر متمایز کرد: «تحلیل گفتمانی»، «روان‌شناسی اجتماعی» و «زبان‌شناسی انتقادی». تحلیل‌گران گفتمانی، گفتمان را به معنای ساختارهای زبانی فراجمله یا متن تعریف می‌کنند. روان‌شناسان اجتماعی نیز گفتمان را به‌صورت یک مفهوم خرد به کار می‌برند و رابطه قدرت و زبان را که صرفاً منعکس‌کننده قدرت است، مطالعه می‌کنند. در این رویکرد روابط قدرت خارج از زبان شکل می‌گیرد و زبان یا گفتمان تنها آن را بازنمایی می‌کند. بنابراین،

گفتمان ارتباط منظم و مدلومی با ساختارهای کلان اجتماعی ندارد. زبان‌شناسی انتقادی این نوع تعریف از گفتمان را نقد جدی می‌کند و آن را بازتاب دهنده صرف روابط خارج از آن نمی‌داند بلکه برای آن ماهیت تأسیسی قائل است. در این رویکرد گفتمان به صورت یک مفهوم کلان تعریف و به کار گرفته می‌شود که فرایندهای اجتماعی را شکل می‌دهد. بنابراین، گفتمان نقش اساسی در ایجاد و تقویم هویت‌ها و بلورهای اجتماعی دارد. همچنین گفتمان خودمختار و مستقل است و صرفاً در قدرت اجتماعی نشأت نگرفته بلکه خود نوعی تجلی و نمود قدرت اجتماعی است. رهیافت گفتمانی که در چارچوب زبان‌شناسی انتقادی شکل گرفت، تحلیل انتقادی گفتمان نامیده می‌شود که حاصل تلاش‌های فکری اندیشمندانی چون فوکو، لاکلاو، موفه و فرکلاف است. در حقیقت، نظریه گفتمان در سنت انتقادی، به نقش معنادار کردارها یا رویه‌ها و اندیشه‌های اجتماعی در زندگی سیاسی می‌پردازد و شیوه‌هایی را بررسی می‌کند که از طریق آن نظام‌ها و ساختارهای معانی نوع خاصی از کنش و عمل را ممکن می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۱).

گفتمان فراتر از ایدئولوژی سنتی یعنی مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و ایده‌هایی است که کنشگران اجتماعی از طریق آن به توضیح و توجیه کنش سازمان‌یافته اجتماعی خود می‌پردازند. علاوه بر این انواع مختلفی از عمل‌های اجتماعی و سیاسی، نهادها و سازمان‌ها را نیز دربرمی‌گیرد. فوکو گفتمان را عام‌تر از ایدئولوژی سیاسی می‌داند به گونه‌ای که ممکن است سازوکارهای آن مرزهای چند ایدئولوژی را درنوردند. در نتیجه وی به سه دلیل ترجیح می‌دهد که به جای ایدئولوژی از مفهوم گفتمان استفاده کند. نخست، مفهوم ایدئولوژی به طور ضمنی و تلویحی متضمن تفکیک بین عین و ذهن یا ارزش و واقعیت است؛ دوم، این اصطلاح لزوماً به سوژه یا فاعل شناسای خودمختار ارجاع می‌دهد؛ و سوم اینکه مفهوم ایدئولوژی در ارتباط با عوامل و عناصر زیربنای مادی و اقتصادی ماهیتی روبنایی و ثانویه می‌یابد. درحالی‌که گفتمان بر این امر دلالت دارد که واقعیت و حقیقت یک سازه گفتمانی بوده و فاعل شناسا نیز خود یک موضعه گفتمانی است. همچنین گفتمان ماهیتی اولیه و بنیادین دارد که همه چیز در آن معنا می‌یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۲).

فوکو، گفتمان را به صورت شبکه‌های معنایی یا نظامی از اشیاء تعریف می‌کند که رفتار آدمی را شکل می‌دهند. گفتمان را به معنای مجموعه احکام متعلق به صورت‌بندی گفتمانی واحد یا مجموعه‌ای از گزاره‌ها و احکام جدی به کار می‌برد که در یک عصر به وحدت می‌رسند و انسان‌ها به وسیله آن هویت و اجتماع خود را تعریف می‌کنند. گزاره، در دستگاه فلسفی فوکو، نوعی کنش گفتاری است که معنا را به شنونده منتقل می‌کند و بر مدلول‌های خاصی دلالت دارد. هر صورت‌بندی گفتمانی بر پایه چهار عنصر استوار است که آن را متمایز می‌سازد: ابژه که گزاره‌ها راجع به آن هستند، کارکرد بیانی که جایگاه و اهمیت گزاره‌ها را معین می‌کند، مفاهیم که گزاره‌ها در چارچوب آنها نظم یافته و شکل می‌گیرند و سرانجام راهبردهایی که در یک گفتمان ارائه می‌شوند. از آراء فوکو در باب گفتمان، چند اصل را می‌توان استنتاج کرد. اولاً، گفتمان امری فراگیر و شامل است که خارج از آن نمی‌توان اندیشید و فراتر از آن ممکن نیست؛ دوم، گفتمان یک شبکه معنایی به هم پیوسته است که ذهن جمعی را می‌سازد؛ سوم، این

ذهن جمعی برساختهٔ گفتمان دائماً در حال تنازع و تحول است که علاوه بر توضیح استمرار و ثبات امور، مبین تغییر و دگرگونی‌ها نیز هست.

لاکلاو و موفه گفتمان را مجموعه‌ای معنادار از علائم و نشانه‌های زبان‌شناختی و فرزابان‌شناختی تعریف می‌کنند که فراتر از گفتار و نوشتار می‌روند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۳).

گفتمان هویت خود را از طریق رابطه‌ای کسب می‌کند که بین عناصر مختلف برقرار می‌شود. لاکلاو و موفه عمل جمع‌آوری اجزاء و عناصر مختلف و قرار گرفتن آنها در کنار هم و کسب هویت جدید را مفصل‌بندی می‌نامند. به نظر آنان مفصل‌بندی هر کنش و عملی است که رابطه‌ای میان عناصر گوناگون ایجاد نماید. به‌گونه‌ای که هویت آنها در اثر این کنش تغییر کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۴).

### تغییر گفتمانی

مجموعه‌ای به نام گفتمان مستمراً مشمول و موضوع عدم ثبات و سیوروت شکلی و ماهوی است. بعضی از عناصر گفتمان در مقایسه با عناصر دیگر استمرار و ثبات بیشتری دارند و به‌سادگی دستخوش تغییر و تحول نمی‌شوند، و بعضی دیگر از قابلیت تغییر زیادتری برخوردارند. در این آرایش درخت‌گونه، اصول و عناصر محوری در لایه‌های زیرین قرار می‌گیرند که طبعاً تغییر و تحول آنها، تحولات بنیادین را در گفتمان باعث می‌گردد. بعضی دیگر از عناصر و دقایق، در سطوح بالایی ساختار قرار می‌گیرند که ماهیتی ملموس و واقعی‌تر دارند. گزاره‌هایی نیز حد واسط این دو دسته از مفاهیم و عناصر هستند.

بر اساس مدل درخت گفتمانی، استخراج شده از آرا و اندیشه‌های فوکو، دو نوع تغییر و تحول گفتمانی قابل تصور و ممکن است: تغییر «در» گفتمان و تغییر «از» گفتمان. تغییر «از» گفتمان به معنای دگرگونی و دگردیسی بنیادین، فراگیر و ماهوی است که در اثر تغییر در اصول حاکمهٔ یک گفتمان حادث می‌شود. اگر هستهٔ مرکزی و احکام ریشه‌ای گفتمان زایل، دگرگون یا منسوخ شوند، تحول «از» گفتمان رخ می‌دهد. اگر تغییرات در مفاهیم و عناصری که فرع بر اصول حاکمه هستند، به‌وقوع پیوندد، در این صورت، تغییر «در» گفتمان واقع می‌شود و تحول درون گفتمانی شکل می‌گیرد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۶).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ گفتمان حاکم بر سیاست خارجی ایران دچار دگرگونی بنیادین شد. در این برهه‌ی تاریخی گفتمان موسوم به سیاست مستقل ملی سال‌های پایانی حکومت پهلوی منسوخ شده و به جای آن گفتمان اسلام‌گرای انقلابی مطرح شد؛ اما بنا به دلایلی که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست این گفتمان تا خرداد سال ۱۳۶۰ (برکناری ابوالحسن بنی صدر) بر سیاست خارجی ایران حاکم نشد. در عوض گفتمان واقع‌گرایی لیبرال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۶۰ - یعنی دوران نخست وزیری مهندس بازرگان و ریاست جمهوری بنی صدر بر سیاست خارجی ایران حاکم شد.

اما بعد از برکناری بنی صدر یعنی خرداد ۱۳۶۰ تا امروز گفتمان اسلام‌گرای انقلابی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد. در درون گفتمان اسلام‌گرای انقلابی تاکنون تغییراتی روی داده است؛ یعنی به اقتضای زمان و شرایط، شاهد تغییر گفتمانی در داخل این گفتمان هستیم.

تغییر گفتمان سیاست خارجی از سیاست مستقل ملی سال‌های پایانی حکومت پهلوی به واقع‌گرایی لیبرال دوران مهندس بازرگان و بنی صدر در بهمن ۵۷ و نیز تغییر به گفتمان اسلام‌گرای انقلابی در خرداد ۶۰ از نوع تغییر «از» گفتمانی به گفتمان دیگر می‌باشد؛ یعنی در بهمن ۱۳۵۷ و خرداد ۱۳۶۰ شاهد تغییر و دگرگونی بنیادین، فراگیر و ماهوی در اصول و اهداف سیاست خارجی ایران هستیم. اما از خرداد ۱۳۶۰ تا کنون شاهد تغییر «در» گفتمان (درون گفتمانی) اسلام‌گرای انقلابی هستیم؛ از خرداد ۱۳۶۰ تاکنون شاهد تغییر در مفاهیم و عناصر فرع بر اصول حاکمه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستیم. در این بازه زمانی اصول اصلی حاکم بر سیاست خارجی تغییر و دگرگونی خاصی نداشته است.

## ۲- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ تأثیر عمیق و شگرفی بر ماهیت، اهداف و منافع سیاست خارجی و روابط بین‌المللی ایران داشت. قانون اساسی ایران در دوران قبل از انقلاب که بیش‌تر بر اساس دیدگاه‌های ملی تهیه شده بود، هیچ اشاره‌ای به این امر که سیاست خارجی ایران چگونه باید باشد و چه اهدافی را باید دنبال کند، نکرده بود. در واقع در دوران قبل از انقلاب اسلامی، سیاست خارجی به‌عنوان متغیری از اهداف سیاست داخلی در نظر گرفته می‌شد (محمدی، ۱۳۶۹: ۳۵-۳۶). در قانون اساسی رژیم سابق به سیاست خارجی اهمیت خاصی اختصاص داده نشده بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت انقلاب و جو غالب در سال‌های اولیه پیروزی آن، در قانون اساسی جمهوری اسلامی، بر خلاف قانون اساسی دوران پهلوی، بیش‌ترین اهمیت و بها به اهداف سیاست خارجی کشور داده شد. مقایسه جایگاه سیاست خارجی در دو قانون اساسی ایران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نشان‌دهنده رفعت منزلت این مقوله در قانون اساسی جمهوری اسلامی است که این امر طبیعتاً از انقلاب و آثار آن ناشی می‌شود. در شرایط زمانی تدوین این قانون (چند ماه پس از پیروزی انقلاب) تدوین‌کنندگان آن، متأثر از فضای انقلابی موجود بهایی بسیار بیش‌تر از قبل به این مقوله دادند و قانونی پدید آوردند که سیاست خارجی در آن از نظر میزان، محتوا و اهمیت، به کلی با قانون اساسی رژیم سابق تفاوت داشت. در ادامه به ویژگی‌ها و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

### ۱-۲- ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

#### ۱-۱-۲- فرامرزی بودن

از آن جایی که مهم ترین منبع تهیه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مکتب اسلام می باشد و از طرفی اصول دین اسلام خاصیت جهان شمولی دارند، این خاصیت به تعدادی از اصول قانون اساسی و خصوصاً قوانین و اصول سیاست خارجی تسری پیدا کرد.

از نظر مکتب اسلام، دنیا به طور کلی به دو منطقه تقسیم می شود (۱ جهان اسلام و ۲) دنیای غیر مسلمین. بر همین اساس تنها مرزی که اسلام می شناسد مرز عقیدتی است و سایر مرزبندی های نژادی، قومی، زبانی، جغرافیایی و ... مورد پذیرش نمی باشد. انقلاب اسلامی ایران هم با توجه به برداشت اسلامی از مفهوم انقلاب به شدت معتقد به جهان شمول بودن حرکت انقلابی اسلامی بود. نخبگان اصلی انقلاب معتقد بودند سیاست خارجی کشورمان نمی تواند خود را در محدوده اهداف ملی و یا حتی منطقه ای محبوس کند و لذا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به رسالت مسلم و غیر قابل تغییر خود باید سیاستی فعال، فرامرزی و جهان شمول داشته باشد. «انترناسیونال بودن انقلاب یعنی این که انقلاب ما تنها متعلق به ملت ایران نیست بلکه باید در میهن اسلام و هر جا که مسلمانی زندگی می کند امتداد پیدا کند» (فارسی، ۱۳۷۳: ۴۸۷-۴۹۲).

### ۲-۱-۲- ایدئولوژیک بودن

ایدئولوژی، در نظر اکثر محققان یکی از عناصر قدرت ملی (تعیین کننده حوزه منافع ملی) شمرده می شود؛ هر چند در خصوص میزان تأثیر و نقش آن نظرات متفاوت است (بهزادی، ۱۳۶۸: ۲۰۶). اگر بپذیریم که مذهب نیز دارای بعد ایدئولوژیک می باشد یا لافل یک ایدئولوژی غیر مدون است، باید بپذیریم که انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب ایدئولوژیک بود و این مقوله در تمام ابعاد و زمینه های این انقلاب رخنه کرده است. پس از انقلاب سعی شد اکثر اصول مربوط به سیاست خارجی از اصول اسلام اقتباس گردد یا حداقل با اصول اسلامی تطبیق داده شود. جمهوری اسلامی ایران اعلام نمود که با جهان بر مبنای اصول اسلامی بر خورد خواهد کرد. در اصل چهارم قانون اساسی تصریح شده است که کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشند. تعهد و تقید به اسلامی بودن سیاست خارجی، دیپلماسی جدیدی را شکل داد که در نوع خود کاملاً بی سابقه بود (منصوری، ۱۳۶۵: ۱۲۲-۱۲۳).

### ۳-۱-۲- امیرالیسم ستیزی

از همان ابتدای شکل گیری انقلاب، شعار نه شرقی نه غربی مطرح گردید و به شدت فراگیر شد. به نظر می رسد ریشه ظهور این ویژگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را باید در سیاست خارجی رژیم پیشین جستجو کرد. در واقع آن چه بیش از هر چیز رهبران انقلاب را به سمت این شعار پیش برد، اتکای بیش از اندازه حکومت قبلی به یک قطب جهانی از یک سو و غیر مذهبی بودن قطب دیگر جهان (شوروی سوسیالیستی) بود. هر چند از شعار نه شرقی و نه غربی هیچ گاه تعریف دقیقی به عمل نیامد، اما به نظر می رسد همواره دو دیدگاه کلی در این زمینه وجود داشته است:

(۱) مبارزه با سلطه شرق و غرب و قطع رابطه با آن ها؛

۲) عدم پیروی سیاست خارجی ایران از شیوه‌های مرسوم بلوک غرب یا شرق (لزوماً نفی رابطه مورد نظر نیست) (محمدی، ۱۳۶۹: ۴۴).

## ۲-۱-۴- رابطه با ملت‌ها به جای دولت‌ها

دولت‌ها همواره به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران صحنه بین‌المللی شناخته می‌شوند و اصولاً جای ملت‌ها در میان بازیگران رسمی روابط بین‌الملل خالی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در هنگام تدوین قانون اساسی و اصول سیاست خارجی آن، توجه خاصی به ملت‌ها معطوف گردید. مردمی بودن انقلاب و استفاده از تعالیم اسلامی که خاصیت فراوطنی داشت همگی از جمله علل شکل‌گیری سیاست خارجی ایران بر این پایه محسوب می‌شوند. از نگاه رهبران انقلاب اکثر حکام و دولت‌های جهان، مستبد و غیر مردمی بودند، و به همین دلیل توجه به ملت‌ها جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی جدید پیدا کرد.

## ۲-۲- اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

### ۲-۲-۱- تلاش در جهت تشکیل امت واحد جهانی

اگر چه اندیشه دولت واحد جهانی یکی از آرمان‌های بشر، چه در قدیم و چه در حال حاضر بوده است و در میان ادیان و اقوام گوناگون در عهد باستان اعتقاد به ظهور یک منجی جهانی رسوخ داشته است ولی در مکتب اسلام حکومت جهانی نه بر پایه یک بین‌الملل مبتنی بر حاکمیت نژاد یا طبقه‌ای خاص، بلکه بر مبنای یک بین‌الملل انسانی و بشری نوید داده است. اسلام در مقام ارشاد همه جا روی خطابش به مردم (للناس) یعنی انسان‌ها بوده است. پیامبر اسلام نیز عمداً در راه انجام دادن همین رسالت جهانی گام‌های بلندی برداشت و در دوره کوتاه زمامداری خود با دیپلماسی فعالی در جهت معرفی آیین خود اقدام کرد (خلیلیان، ۱۳۶۶: ۱۱۴).

قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند، به ویژه در گسترش روابط بین‌الملل با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را فراهم کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت سیستم در تمامی جهان قوام یابد. در تایید این نکته اصل ۱۱ قانون اساسی نیز اشعار می‌دارد:

«به حکم آیه ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون، همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد».

البته در این اصل تنها وحدت مسلمانان جهان مورد توجه قرار گرفته، نه وحدت بشریت در جهان، ولی طبیعی است که وحدت مسلمانان از گام‌های مؤثر و اولیه برای نیل به وحدت بشریت و زمینه ساز حکومت جهانی اسلام می‌باشد.

## ۲-۲-۲- حمایت از مستضعفین در قبال مستکبرین

بر اساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد، بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند». با توجه به اصل فوق مقدمه قانون اساسی و یکی از اهداف مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی همانا مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از مردم مستضعف دنیا در هر نقطه‌ای با هر نژاد، زبان و مذهب می‌باشد. و جمهوری اسلامی ایران این اصل را جزء برنامه‌های اصلی خود قرار داده است.

## ۲-۲-۳- حراست از استقلال و تمامیت ارضی کشور جمهوری اسلامی ایران

اصل ۱۵۳ قانون اساسی یکی از اهداف مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی را همانا اتخاذ سیاست‌ها و تدابیری برای حفظ استقلال همه جنبه و تمامیت ارضی کشور، می‌داند و با توجه به همین امر، قانون اساسی روی حفظ استقلال و تمامیت ارضی مکرراً و به عناوین مختلف تأکید خاص نموده و مفهوم استقلال را در معنای بسیط و ابعاد گوناگون آن بکار برده است تا راه را بر هر نوع غفلت، بی توجهی و یا سوء تعبیر ببندد.

از جمله در اصل نهم قانون اساسی که خط مشی دولت جمهوری اسلامی را در این رابطه تعیین می‌نماید:

«در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیر است و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه و یا مقامی حق ندارد به نام استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند».

## ۲-۲-۴- دفاع از حقوق مسلمانان

یکی دیگر از اهداف مهم کشور ما دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان می‌باشد؛ بدین معنی که خود را متعهد و ملتزم می‌داند تا در هر گوشه‌ای از دنیا که به حق مسلمانی تجاوز و تعدی شود به‌عنوان نماینده حکومت اسلامی از حقوق آن‌ها دفاع نموده و جلوی تجاوز و تعدی به آن‌ها را در حد توان و قدرت خود بگیرد. چند ماه قبل از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی خبرنگار رادیو تلویزیون آلمان از رهبر انقلاب در مورد احتمال کمک به مسلمانان روسیه شوروی سؤال می‌کند که ایشان در پاسخ اظهار می‌دارد: «آن‌ها برادران ما هستند، ما با تمام مسلمانان برادر هستیم و این یک اصل اسلامی است که هر مسلمانی باید به مسلمان دیگر کمک کند» (صحیفه نور، ج ۳: ۳۱).

## ۲-۲-۵- دعوت

از مهم‌ترین و در حقیقت از ابتدایی‌ترین وظایف و اهداف حکومت اسلامی دعوت غیر مسلمین به اسلام می‌باشد. دعوت به احکام متصوصه اسلام جزو ضروریات دین است و در تقسیم بندی فقهی جز مسایل عبادی محسوب می‌گردد. در قرآن در سوره



نحل آیه ۱۲۵ آمده است: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادهم باللتی هی احسن» (دعوت کن مردم را به راه پروردگارت با حکمت و با پند زیبا و مناظره کن با آنها از نیکوترین راه، به راستی خداوند داناترین است نسبت به آنان که گمراه شدند و هم او داناترین است نسبت به حال هدایت یافتگان).

هیچ مسلمانی حق ندارد قبل از آن که کفار را به پذیرش اسلام دعوت کند با آنان جنگ و جهاد نماید (شکوری، ۱۳۶۱: ۲۵۴).

علاوه بر موارد ذکر شده اهداف دیگر انقلاب اسلامی ایران عبارتند از:

(۱) بر قراری، توسعه و تحکیم روابط صالح آمیز با دول غیر محارب؛

(۲) حمایت از نهضت‌های آزادیبخش؛

(۳) مبارزه همه‌جانبه با استعمار؛

(۴) تلاش برای ایجاد وحدت در میان مسلمانان؛

(۵) نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری؛

(۶) صدور انقلاب اسلامی با توجه به اصل عدم مداخله در امور داخلی ملل دیگر؛

(۷) قبول تعهد نسبت به پیمان‌ها و قراردادهای بین‌المللی؛

(۸) حضور در مجامع بین‌المللی؛

(۹) مبارزه با انواع تبعیض نژادی و سیاست‌های نژاد پرستانه؛

(۱۰) عدم مداخله در امور داخلی سایر دولت‌ها (شکری‌مقدم و حسن‌پور، ۱۳۹۲: ۸۲).

### ۳- گفت‌و‌گوهای حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

گفت‌و‌گوهای اسلامی انقلابی بر مبنای اسلام سیاسی در جریان نهضت و انقلاب اسلامی شکل گرفت و در قانون اساسی جمهوری اسلامی تجلی و تبلور یافت. مرکز ثقل و هسته مرکزی این گفت‌و‌گو، تأمین، بسط و حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و انقلابی است که صیانت از جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. از آنجا که اسلام، دینی جهانشمول است و جهان‌بینی آرمان‌ساز و آرمان‌خواهی دارد، جمهوری اسلامی ایران نیز رسالت جهانی و آرمان‌ها و اهداف فراملی اسلامی مبتنی بر هدایت و سعادت کل بشریت دارد. همچنین، دال‌ها و مفاهیم بنیادی دولت مآت، انقلاب اسلامی در نظام بین‌المللی در این گفت‌و‌گو، بر پایه اسلام شیعی تعریف می‌گردد. گفت‌و‌گوهای اسلامی‌گرایی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ به صورت پادگفت‌و‌گو ملی‌گرایی لیبرال در عرصه سیاست خارجی ایران ظهور کرد. سپس از سال ۱۳۶۰ تاکنون در هیات و هیبت گفت‌و‌گوهای مختلف بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم و غالب بوده است.

همه‌ی خرده گفت‌و‌گوهای اسلامی‌گرایی انقلابی در مورد معنا و مدلول حداقلی یا قدر متیقن مفاهیم سه‌گانه‌ی دولت، انقلاب اسلامی و نظم و نظام بین‌الملل اتفاق نظر دارند. همگی آنان احکام و گزاره‌های بنیادی اسلام‌گرایی در خصوص این مفاهیم پایه‌ای را می‌پذیرند. اختلاف نظر آنان صرفاً به گزاره‌ها و قضایای اشتقاقی از بین احکام و اصول حاکمه محدود می‌شود. بنابراین،

خرده‌گفتمان‌های پنجگانه‌ی اسلام‌گرایی بر این باورند که دولت جمهوری اسلامی ایران ماهیت، هویت، کارکرد و مسئولیت اسلامی دارد؛ اولین و مهم‌ترین عناصر و منابع هویت ملی ایران و جمهوری اسلامی، اسلام شیعی و انقلاب اسلامی هستند؛ جمهوری اسلامی ایران دو دسته از منافع و اهداف ملی و فراملی یا اسلامی دارد که باید در سیاست خارجی آن تعقیب و تأمین گردد؛ انقلاب اسلامی ایران انقلابی فراملی است که از ماهیت و اهداف اسلامی و انقلابی فراملی برخوردار است؛ نظم و نظام بین‌المللی موجود اصالت و اعتبار شرعی ندارد و ناعادلانه و تبعیض‌آمیز است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۰۷-۲۰۶).

اختلاف‌نظرهای جزئی باعث می‌شود که هریک از خرده‌گفتمان‌ها اولویت و قرائت متفاوتی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد.

خرده‌گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، که همگی زیرمجموعه‌ی ابرگفتمان اسلام‌گرایی انقلابی هستند، از سال ۱۳۶۰ تا قبل از دولت روحانی، به پنج گفتمان زیر تقسیم می‌کنیم:

گفتمان آرمان‌گرایی امت‌محور؛ از خرداد سال ۱۳۶۰ تا اواخر سال ۱۳۶۳ بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد؛

گفتمان مصلحت‌گرایی مرکز‌محور؛ از اواخر سال ۱۳۶۳ تا پایان جنگ تحمیلی؛

گفتمان واقع‌گرایی اسلامی؛ در دوران موسوم به سازندگی بر سیاست خارجی ایران حاکم شد؛

گفتمان صالح‌گرایی مردم‌سالار؛ این گفتمان در طول دوره موسوم به اصلاحات بر سیاست خارجی ایران حاکم شد؛

اصول‌گرایی عدالت‌محور؛ این گفتمان از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۲ (دوران ریاست جمهوری دولت محمود احمدی‌نژاد) بر سیاست خارجی ایران حاکم شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۸۷-۲۳۹)؛

#### ۴- گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور

گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور، با روی کار آمدن دکتر حسن روحانی در قامت ریاست جمهوری اسلامی ایران در خرداد ۱۳۹۲ بر سیاست خارجی ایران حاکم شد.

این گفتمان از یک سو، تداوم و ادامه واقع‌گرایی است، زیرا بر مصلحت‌اندیشی خردگرا و عمل‌گرایی در سیاست خارجی استوار است، اما از سوی دیگر، بر سیاست و فرهنگ نیز تأکید می‌ورزد و توسعه سیاسی فرهنگی را حیاتی و ضروری می‌پندارد. عقلانیت، تعامل و اعتدال سه اصل بنیادین گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور در سیاست خارجی است. عقلانیتی که بر تعامل و اعتدال، جامعه‌عاری از سلطه و خشونت ساختاری و حق انتخاب آزاد انسان استوار است. تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور را نمی‌توان یک گسست گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تلقی کرد، بلکه قرائتی واسازانه از اسلام‌گرایی بر پایه الزامات دولت ملی و واقعیت‌های نظام بین‌الملل است که با دقایقی از نظریه آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل درمی‌آمیزد.

در ادامه به دیدگاه گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور در مورد سه مولفه مهم دولت جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی ایران و نظم و نظام بین‌الملل می‌پردازیم.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱- دولت جمهوری اسلامی ایران

نظریه دولت در گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور بر برداشت حداکثری خردگرایانه از دین اسلام مبتنی است. عقل و خرد در تعریف ماهیت و شکل جمهوری اسلامی بر مبنای اسلام، نقش بیشتر و مهم‌تری در مقایسه با مصلحت‌گرایی ایفا می‌کند. تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور در چارچوب «جهان‌بینی دینی عقلانی» اسلام، تفسیری مردم‌سالارانه و آزادمنشانه از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهد که در آن «جمهوریت» و «اسلامیت» همسنگ و هموزن یکدیگرند. در حقیقت، مبانی نظری و فقهی دولت و نظام سیاسی در این گفتمان، نوعی نظریه ولایت فقیه انتخابی بر اساس آرا و اندیشه‌های امام خمینی و قانون اساسی است. پذیرش حاکمیت ملی در طول حاکمیت الهی و باور به ولایت فقیه انتخابی، متضمن به رسمیت شناختن ماهیت ملی و مبنای سرزمین جمهوری اسلامی ایران است. حاکمیت ملی مهم‌ترین اصل ملت‌گرایی است که ملتی را از ملت دیگر متمایز می‌سازد. ارزش‌های ملی و اسلامی که متقابلاً یکدیگر را قوام می‌بخشد. محور همبستگی ملت ایران بوده و هویت ملی آن را شکل می‌دهند، نه تنها هیچ تعارض و تباینی بین ایرانی بودن و اسلامیت وجود ندارد، بلکه این دو عنصر، در وجه تفکیک و تجزیه‌ناپذیر هویت ملی ایران‌اند که به همراه انقلاب اسلامی، آن را قوام می‌بخشد. در چارچوب هویت ملی ایرانی اسلامی، نقش‌های ملی خاصی نیز برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تعیین و تعریف می‌شود. نقش‌هایی چون «دولت صالح‌طلب»، «دولت سرمشق»، «دولت عقل‌محور»، «دولت مسئولیت‌پذیر»، «دولت متعامل» و «دولت توسعه‌یافته سیاسی». در صورت تزاخم بین مصالح اسلامی و منافع ملی نیز باید بر اساس اصول و قواعد مصلحت، وسع و تدرج، اهم و مهم، ضرورت و اضطرار به رفع آن پرداخت. تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور، اولویت و تقدم منافع ملی حیاتی را محدود و منحصر به حفظ موجودیت و حتی نظام جمهوری اسلامی نمی‌کند. بنابراین، در گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور، منافع و اهداف امنیتی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر منافع معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیک اولویت و تقدم دارند. تحقق و تأمین این اهداف و منافع نیز مستلزم کسب و تولید قدرت ملی به‌ویژه قدرت نرم است. زیرا، رویکرد و رهیافت این گفتمان به قدرت و امنیت ملی هم سخت‌افزاری و هم نرم‌افزاری است. حیاتی‌ترین بعد امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز، امنیت سیاسی تصور می‌گردد که با افزایش مشروعیت نظام و ایدئولوژی اسلامی انقلابی، ارتقای اعتبار و وجهه بین‌المللی جمهوری اسلامی از طریق تنش‌زدایی، اعتمادسازی، گفتگو، مذاکره و مصالحه حاصل می‌شود.

#### ۴-۲- انقلاب اسلامی ایران

<sup>۱</sup> دکتر دهقانی فیروزآبادی در کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹) این بحث را در تشریح سیاست خارجی دولت اصلاحات آورده است که به خاطر شباهت سیاست خارجی دولت تدبیر و امید به سیاست خارجی دولت اصلاحات، از بحث‌های این کتاب استفاده شده است.

از منظر گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور، انقلاب اسلامی ایران تنها یک انقلاب ملی با اهداف و آرمان‌های داخلی جامعه و کشور ایران نیست. انقلاب اسلامی، برعکس، یک انقلاب فراملی با آماج و آرمان‌های فراسرزمینی و فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران است. انقلاب اسلامی به دو دسته از اهداف ملی و فراملی دارد. اهداف ملی برخاسته از مطالبات و آرمان‌های ملت ایران است که آزادیخواهی و مردم‌سالاری در رأس آنها قرار دارد. از طرف دیگر، اهداف اسلامی و فراملی دیگری چون وحدت جهان اسلام، استکبارستیزی، حمایت از مسلمانان و جنبش‌های آزادیبخش نیز که از ماهیت اسلامی آن نشأت می‌گیرد ضرورت دارند. اما، گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور، همانند واقع‌گرایی، بر اساس مقدورات ملی و محظورات محیطی، مقتضیات زمان و مکان، قواعد و احکام ثانویه و حکومتی به رتبه‌بندی و اولویت‌بندی این دو دسته اهداف می‌پردازد. چون تأسیس و تحکیم یک نظام مردم‌سالار در جامعه ایران نه تنها اهداف ملت ایران را محقق می‌سازد بلکه به تأمین منافع و اهداف فراملی انقلاب اسلامی نیز منجر می‌شود. صدور انقلاب به معنای الگوپردازی مردم‌سالار از جمهوری اسلامی تعریف می‌شود. حمایت از مسلمانان، مستضعفان و نهضت‌های رهیابی‌بخش در پشتیبانی معنوی از آنها تجلی می‌یابد. استکبارستیزی نیز به صورت مخالفت غیرتقابلی با نظام سلطه به‌ویژه آمریکا از طریق سازوکارهای چندانبه و مسالمت‌آمیز پیگیری می‌شود. وحدت جهان اسلام هم به معنای همکاری و همبستگی دیپلماتیک کشورهای اسلامی در مجامع بین‌المللی است.

#### ۴-۳- نظم و نظام بین‌الملل

گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور رویکرد و رهیافت متفاوتی به نظم و نظام موجود و چگونگی استقرار نظم و نظام مطلوب دارد. به‌طوری که مهم‌ترین ویژگی و وجه تمایز این گفتمان از سایر خرده‌گفتمان‌های اسلام‌گرایی، این شاخص است. تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور رویکردی انتقادی به نظم بین‌المللی موجود اتخاذ می‌کند. نظم و وضع موجود بین‌المللی ناعادلانه و نامطلوب است، ولی جهت ایجاد و استقرار نظم و نظام عادلانه جهانی باید بر اساس اصول تنش‌زدایی، اعتمادسازی، همزیستی مسالمت‌آمیز، احترام متقابل، گفتگو و منطبق مفاهیم اقدام کرد. بنابراین، از یک سو انتقاداتی نسبت به وضع و نظم موجود و تلاش برای اصلاح نظام بین‌الملل و پارادایم حاکم بر آن صورت می‌گیرد، اما از طرف دیگر، این نقد و اصلاح در چارچوب و بستر نظم و نسق مستقر و از طریق همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری با کشورهای دیگر و گفتگو و تفاهم و تعامل تعقیب می‌گردد. پس جمهوری اسلامی با حفظ هویت خود، سعی می‌کند منافع معطوف به نظم جهانی را نه بر پایه تقابل و تعارض با دیگران بلکه بر اساس مشترکات و همسانی‌ها با آنان تأمین نماید.

#### ۵- شاخص‌های سیاست خارجی گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور

سیاست خارجی دولت تدبیر و امید در یک سال گذشته را می‌توان حول محورهایی همچون تعامل‌گرایی، احترام متقابل، دیپلماسی برد برد، نفی خشونت و افراط، تنش‌زدایی، منطقه‌گرایی و حمایت از مظلوم ارزیابی کرد.

می‌توان این شاخص‌های سیاست خارجی روحانی را از سخنرانی وی در مراسم تحلیف در مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۹۲ استنباط کرد.

در این چارچوب و با توجه به سخنان و پیام‌های رییس جمهوری در موقعیت‌های مختلف می‌توان شاخص‌های سیاست خارجی حسن روحانی در یک سال گذشته را در چند محور اصلی دسته بندی کرد.

### ۵-۱- تدبیر و اعتدال در سیاست خارجی

دکتر حسن روحانی بارها در سخنان خود به تدبیر و اعتدال در سیاست خارجی پرداخته است. به‌عنوان مثال روحانی در جمع اعضای انجمن آسیایی شورای روابط بین الملل آمریکا در ۵ مهر ۱۳۹۲ نیز به این موضوع پرداخت و گفت: طی سال‌هایی که مسوولیت ریاست جمهوری را به عهده دارم، اعتدال و عقلانیت، راهنمای من در اتخاذ سیاست‌ها و اجرای آنها در همه‌ی حوزه‌ها خواهد بود. من با تاکید بر اعتدال، در مبارزات انتخاباتی شرکت کردم و با فاصله‌ی زیاد در انتخابات پیروز شدم. لذا، بر مبنای مأموریت روشنی که از رای دهندگان دریافت کرده ام، متعهد به انجام وظیفه در چارچوب اعتدال هستم که از جمله مستلزم برقراری تعادل، بین واقع بینی و آرمان‌های جمهوری اسلامی است.

روحانی در این سخنرانی افزود: اعتدال در حوزه‌ی سیاست خارجی، به معنی کنار زدن رهیافت‌های افراطی در هدایت روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با دیگر کشورها است. در این چارچوب، ما در پی درک و تعامل مؤثر و سازنده با جهان خارج خواهیم بود، بر ایجاد اعتماد متقابل با همسایگان و دیگر بازیگران منطقه‌ی بی و بین المللی متمرکز خواهیم شد و خواهیم کوشید تا سیاست خارجی خود را بر مبنای کمک به توسعه‌ی اقتصادی کشور باز تعریف نماییم (بورس نیوز، ۱۳۹۳/۶/۱۶).

### ۵-۲- تعامل با جهان

یکی از مهم‌ترین مباحثی که روحانی در یک سال اخیر به دنبال آن بوده و به همین دلیل وزارت امور خارجه را به یکی از فعال‌ترین نهادهای نظام تبدیل کرده است، پیگیری سیاست تعامل‌گرایی با جهان بوده است. در این چارچوب ایران با لاریه‌ی چهره بی مثبت برای حل مسایل مختلف بین المللی علاقه مندی خود را به تعامل با همه‌ی کشورهای جهان برای حل موضوع‌های مختلف نشان داده است. نمونه‌ی این رویکرد را هنگامی شاهد بودیم که بسیاری از کارشناسان داخلی و خارجی، گفت و گوهای هسته‌ی بی را بی ثمر می دانستند اما تاکید بر ادامه‌ی رایزنی‌ها و تعامل نشان داد که برای ایران، دوری از انزوا و تلاش برای ورود در عرصه‌های جهانی موفقیت آمیز خواهد بود و نه تنها امری شدنی بلکه ضروری است.

روحانی در گفت و گو با شبکه‌ی «سی ان ان» آمریکا در مورد سیاست غیر تخصمی ایران گفت: شما می دانید که نه در طول این ۳۵ سال بلکه در طول ۲۰۰ سال گذشته، ایران به هیچ کشوری حمله نکرده و ما قصد حمله به هیچ کشوری و قصد جنگ هم نداریم. اگر نیروی مسلح ما را تجهیز می کنیم برای دفاع از کشورمان است (www.irna.ir).

### ۵-۳- رعایت احترام متقابل

قدرت‌های جهانی سعی دارند در مناسبات بین‌المللی با نگاه از بالا به پایین، خواسته‌های خود را در تعاملات بین‌المللی بر کشورهای ضعیف تحمیل کنند اما روحانی از همان ابتدای دوران ریاست جمهوری بر لزوم رعایت حقوق و احترام مردم ایران برای رسیدن به صلح و حل مشکلات تاکید کرد.

رییس دولت تدبیر و امید در یکی از نخستین سفرهای خارجی خود در شهریور سال ۱۳۹۲ به نشست سران سازمان همکاری شانگهای به بیشکک قرقیزستان رفت و تاکید داشت: زبان جامعه‌ی بشری امروز، باید زبان تفاهم و تکریم باشد. متأسفانه برخی قدرت‌ها هنوز نتوانسته‌اند خود را از دایره‌ی مناسبات استعماری کهن بیرون کنند و همچنان طبق عادت دیرینه، با دیگر ملت‌ها فقط با زبان زور سخن می‌گویند.

وی گفت: من اعلام می‌کنم که با عزم سیاسی، احترام متقابل و تامین منافع مشترک و تنها از طریق تحقق عینی حقوق مردم ایران می‌توان صلح آمیز بودن برنامه‌ی هسته‌ی ایران را تضمین کرد. با اعتمادسازی متقابل می‌توان در یک دوره‌ی زمانی کوتاه به این تضمین متقابل دست یافت ([www.iribnews.ir](http://www.iribnews.ir), ۱۳۹۲/۶/۲۹).

رییس جمهوری در سخنرانی ۱۳۹۲ خود در مجمع عمومی سازمان ملل نیز به صراحت اعلام کرد: ایران به دنبال تعامل سازنده بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک با دیگر کشورهاست و در این چارچوب در پی افزایش تنش با ایالات متحده‌ی آمریکا نیز نیست... در این چارچوب موضع برابر، احترام متقابل و اصول مسلم شناخته شده‌ی بین‌المللی باید مینا باشد؛ البته در این زمینه انتظار ما از واشنگتن شنیدن صدای واحد است ([www.president.ir](http://www.president.ir), ۱۳۹۲/۷/۳).

#### ۵-۴- دیپلماسی برد-برد

این از اصول دیپلماسی در روابط بین‌الملل است که در مذاکرات، همه‌ی طرف‌ها با چانه زنی برخی امتیازات را می‌دهند تا برخی منافع را تصاحب کنند. اکنون دوران بازی با حاصل جمع صفر در روابط میان کشورها که برد یک طرف متضمن باخت طرف دیگری باشد به سر آمده است و تعاملات با رویکرد حاصل جمع مثبت دنبال می‌شود که در آن هر دو طرف با رضایت و نه از روی اکراه توافقی را می‌پذیرند و در عین‌اینکه امتیازاتی را کسب می‌کنند امتیازاتی را به رقیب خود می‌دهند.

روحانی در گفت‌وگو با شبکه‌ی «ان بی سی» آمریکا در ۲۹ شهریور ۱۳۹۳ نیز به تشریح رویکرد برد-برد پرداخت و گفت: معنای برد این است که کشورهای طرف مذاکره به حقوق حقه‌ی قانونی صلح آمیز هسته‌ی ایران اذعان و پذیرش داشته باشند و از طرف ما اعتماد لازم به طرف‌های مذاکره‌ای برای صلح آمیز بودن داده شود. این به معنی برد برد است... من مقصودم این است که ایران مانند همه‌ی کشورهاست، ایران تبعیض را نمی‌پذیرد، اما اگر نگرانی منطقی وجود داشته باشد آن را قابل رفع می‌داند ([www.irna.ir](http://www.irna.ir), ۱۳۹۳/۶/۳۰).

#### ۵-۵- نفی خشونت و افراط‌گرایی

یکی از محورهای اصلی و بین المللی در سیاست خارجی روحانی نفی هرگونه خشونت در جهان بوده است. وی با این ذهنیت حتی توانست در اولین حضورش تاثیر شگرفی در نشست مجمع عمومی سازمان ملل ایجاد کند؛ به گونه ای که با ارایه ی پیشنهاد جهان عاری از خشونت و افراطی گری، نظرها را به خود جلب کرد و توانست تاثیر بسیار زیادی بر افکار عمومی مردم جهان داشته باشد.

روحانی در اجلاس سازمان همکاری های شانگهای در شهریور ۱۳۹۲ نیز مسلح کردن گروه های افراطی و تکفیری و به ویژه دستیابی این گروه ها به سلاح های شیمیایی را بزرگترین خطر برای صلح و امنیت منطقه دانست و تاکید کرد: دنیا نیازمند نفی خشونت و افراطی گری است. سازمان ما می تواند پرچمدار چنین حرکتی باشد ([www.farsnews.com](http://www.farsnews.com), ۱۳۹۲/۶/۲۳).

رئیس جمهوری همچنین در فروردین ۱۳۹۳ در نشست چهار جانبه با همتایان افغان، تاجیک و پاکستانی خود بر لزوم اقدام چهارجانبه ی مشترک برای حفظ امنیت و مبارزه با افراطی گری و دهشت افکنی (تروریسم) تاکید کرد و گفت: در شرایطی هستیم که همه از افراط و خشونت رنج می بریم. تروریسم مثل میکروبی است که به مناطق دیگر سرایت می کند و هرگونه سستی در مبارزه با تروریسم یا اغماض در جلوگیری از حمایت های مالی و تسلیحاتی دیگران به این گروه های تروییستی سبب گسترش این پدیده ی شوم در منطقه شده و روابط کشورها را دستخوش مشکلات غیرقابل پیش بینی خواهد کرد ([www.president.ir/fa/76294](http://www.president.ir/fa/76294), ۱۳۹۳/۱/۷).

#### ۵-۶- تنش زدایی، ترویج صلح و مخالفت با جنگ

یکی از محورهای عمده در سیاست خارجی روحانی دوری از تنش های منطقه ای و بین المللی و لزوم برقراری صلح است؛ زیرا تنها در شرایط آرامش است که می توان برنامه های داخلی و بین المللی را به ثمر رساند؛ به ویژه اینکه مباحث اقتصادی و رشد و پیشرفت کشورها در شرایط جنگی و تنش با همسایگان و جامعه ی بین المللی دست یافتنی نیست. روحانی در یکی از مهمترین توصیه های خود به جامعه ی جهانی در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: باید به جای گزینه ی ناکارآمد «ائتلاف برای جنگ» در مناطق مختلف جهان به «ائتلاف برای صلح پایدار» در سراسر جهان اندیشید.

#### ۵-۷- ارتقای روابط با کشورهای منطقه

بهبود روابط با کشورهای منطقه یکی از محورهای اصلی در سیاست خارجی روحانی بوده است؛ به گونه ای که اولین سفر خارجی وی پرداختن به اجلاسی با حضور مقام های بسیاری از کشورهای منطقه بوده است. روحانی در یک سال گذشته با بیشتر سران ارشد کشورهای همسایه دیدار مستقیم داشته است و در گفت و گوها بر تلاش ایران در ارتقای روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای همسایه و دوست تاکید کرده است.

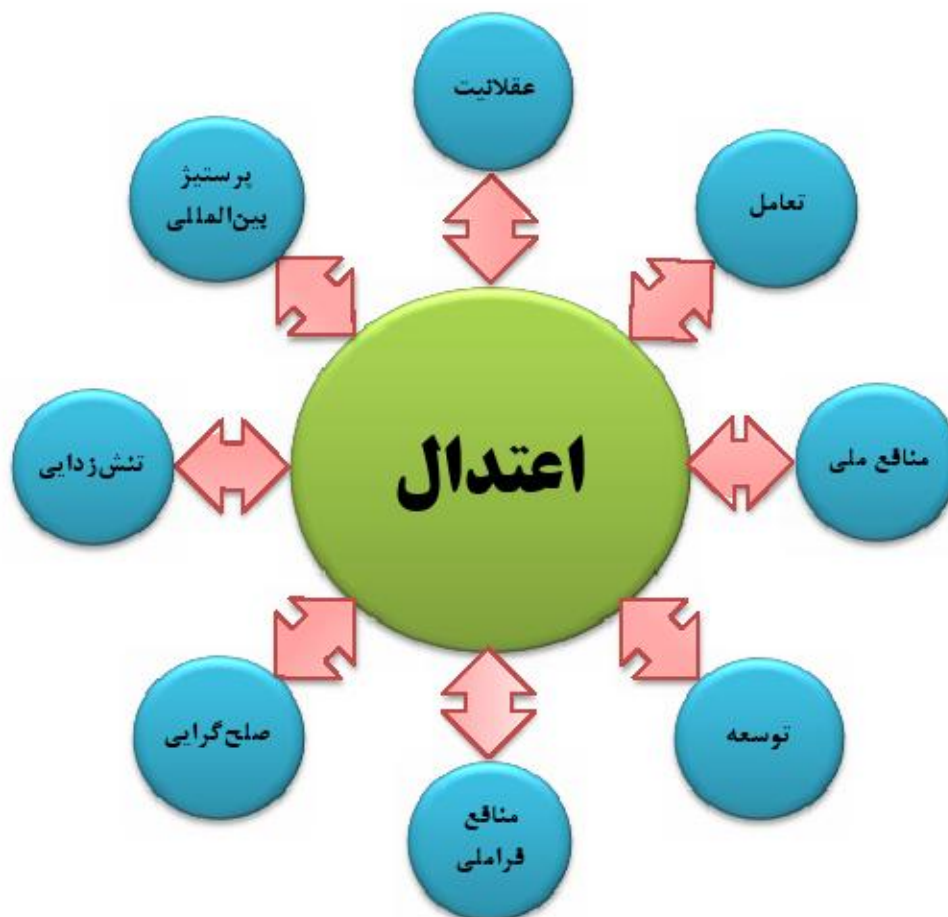
#### ۵-۸- دفاع از مظلوم و توجه به موضوع فلسطین

جمهوری اسلامی ایران در طول تاریخ ۳۷ ساله‌ی بعد از انقلاب همیشه بر موضع خود در دفاع از مظلوم تاکید داشته و دارد. از جمله مهمترین مسایل منطقه و جهان اسلام نیز در طول سالیان اخیر موضوع فلسطین بوده است و حسن روحانی نیز در دوره‌ی دو ساله‌ی ریاست جمهوری خود به این موضوع از منظر تدبیر نگریست. وی در گفت و گو با شبکه‌ی «ان بی سی» گفت: من تاریخ دان نیستم. من یک سیاستمدار هستم. اما آنچه برای ما مهم است، این است که ملت‌های منطقه و جهان به هم نزدیک بشوند و بتوانند جلوی ظلم و تجاوز را بگیرند. آنچه می‌توانم بگویم این است که مردم فلسطین باید از آوارگی در بیابند، از ظلم خارج شوند و به خانه‌هایشان برگردند (بوس نیوز، ۱۳۹۳/۶/۶).

#### ۶- مفصل‌بندی گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور

بطور کلی در گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور، اعتدال بعنوان دال مرکزی سیاست خارجی دولت روحانی است. معنای اعتدال در سیاست خارجی دوری از افراط و تفریط است؛ عدم افراط و تفریط در پیگیری منافع ملی و فراملی. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تا به امروز در صدد تامین منافع ملی و فراملی بوده است. در دولت احمدی‌نژاد برای ۸ سال بعلت آرمان‌خواهی‌های غیرواقع‌بینانه و غیرمتناسب با محیط بین‌المللی، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران کم رنگ شده. و حتی منافع وجودی و حیاتی ایران نیز مورد تهدید قرار گرفت. اما با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید در سال ۱۳۹۲، اعتدال عقلانی خاصی برای ایجاد تعادل بین منافع ملی و فراملی بر سیاست خارجی ایران حاکم شد به طوری که نه تنها تهدید منافع حیاتی و وجودی از بین رفت بلکه روند کسب و حفظ منافع فراملی و ملی جمهوری اسلامی ایران با عقلانیت و تعامل با جهان در جهت مطلوب قرار گرفت. نمودار زیر عناصر اصلی گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور را نشان می‌دهد. در این گفتمان عناصر عقلانیت، تنش‌زدایی، صلح‌گرایی، توسعه، منافع ملی و فراملی، پرستیژ بین‌المللی و تعامل حول دال مرکزی این گفتمان یعنی اعتدال، مفصل‌بندی شده است.





نمردار شماره ۱: مفصل‌بندی گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور

### نتیجه‌گیری

موقعیت ژئوپلتیک جمهوری اسلامی و حساسیت سیاست خارجی موجب شده است گفتمان‌های حاکم بر کشور همواره ویژگی‌های مشابهی داشته باشند. حساسیت نسبت به نفوذ خارجی‌ها، ترس از سرایت بحران‌های محیطی از کشورهای همسایه به داخل، حساسیت نسبت به عملکرد ابرقدرت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای از جمله مهمترین تشابهات گفتمان‌های سیاست خارجی در ایران است.

متون گفتمان‌های شش‌گانه‌ای که در این مقاله از آنها سخن گفتیم و به‌عنوان مشی سیاست خارجی دولت‌های پس از انقلاب ظهور کردند، دارای همسانی‌ها و ناهمسانی‌هایی هستند. اگر گفتمان «تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور» را به‌عنوان مبنای

مقایسه در نظر بگیریم، این گفتمان از نظر برخی ویژگی‌های اقتصادی با گفتمان «صلاح‌گرایی مردم‌سالار» همسانی‌هایی دارد ولی ادامه طبیعی مشی اقتصادی گفتمان «واقع‌گرایی اسلامی» به شمار می‌رود؛ بدین معنا که نگرش مثبتی به نظام اقتصاد جهانی و بازار آزاد وجود دارد و تکیه اصلی بر طبقه متوسط تحصیل کرده، بوروکراسی حرفه‌ای و بازرگانان است. گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور همچنین از نظر مشی اجتماعی فرایندهای اصلاحی گفتمان صلاح‌گرایی مردم‌سالار را حفظ کرده و ادامه می‌دهد و به جامعه مدنی فعال و دولت پاسخگو باور دارد. مشی سیاسی گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور ترکیبی از فرآیندای مورد نظر دولت‌های هاشمی و خاتمی است که اصلاحاتی در آن به عمل آمده و به ویژه در واکنش به مقتضات منطقه‌ای و بحران‌های فزاینده ناشی از جنگ‌های خاورمیانه‌ای در همسایگی کشور و تنش‌ها و نابسامانی‌های به میراث مانده از دوره احمدی نژاد به روز شده است.

گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور در مقایسه با گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در موقعیت‌های زیر متمایز می‌شود: یکی اینکه گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور بر اساس نظریه سازه‌انگاری نگاه بدی به خارج داشت و تصور هجمه همه عناصر غیرایرانی اعم از همسایگان، کشورهای پیشرفته، قدرت‌های منطقه‌ای و هژمون‌ها به ایران را داشت. بنابراین نگاه بسیار واقع‌گرایانه‌ای به فضای بین‌الملل داشت تا آنجا که قواعد آن را آنارشیک پنداشته، از آنها سرباز می‌زد و خود نیز با محوریت قوانین آنارشیک و روش واقع‌گرایانه با فضای بین‌المللی برخورد می‌کرد. در برابر، گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور رویکرد مسالمت‌آمیز و تعاملی با عرصه بین‌المللی داشته و براساس نگاهی سازه‌انگازانه، ماهیت‌های جوهری و هویت‌های واقعی موجود در آن را بازشناخته، معتقد است ماهیت و هویت ساختار خویش را نیز از طریق روندهای جهانی از جمله بهره‌بردن از گفتمان‌های غالب جهانی، چارچوب قواعد و قوانین بین‌المللی، اتحادها و به ویژه پیمان‌های منطقه‌ای و با تکیه ویژه بر سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و ائتلاف‌های صلاح‌طلبانه و با بهره‌گیری از نظام قواعد بوروکراتیک جهانی می‌باشد.

دومین تفاوت گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور با گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در نگاه احمدی نژاد به منافع ملی و فراملی می‌باشد. او منافع فراملی را بر منافع ملی ترجیح داده، چارچوب منافع ملی را چنان تنگ و گروهی کرد که تنها بخش اندکی از خواسته‌های داخلی را بپوشاند. همچنین مجموعه توان کشور را در خدمت دستیابی به این منافع نوپدید و حداقلی قرار داده و با نگاهی مطالبه‌جویانه و نفی‌انگازانه، جهان خارج را به عدم رعایت حقوق ایران متهم کرد. در برابر، گفتمان تعامل‌گرایی اعتدالی عقلانیت‌محور، منافع ملی را حداکثری تعریف کرده و آن را بر منافع فراملی اولویت داده و با جهان خارج از در چانه‌زنی برای دستیابی به حداکثر امتیازات درآمده است.

## منابع و مأخذ

## کتاب و مقالات

بورس نیوز (۱۳۹۳/۶/۶)، شاخص‌های سیاست خارجی دولت روحانی، قابل دسترسی در <http://www.boursenews.ir/fa/news/131410>

بهزادی، حمید (۱۳۶۸): اصول روابط و سیاست خارجی، تهران: انتشارات دهخدا.

خلیلیان، سیدخلیل (۱۳۶۶): حقوق بین‌المللی اسلامی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

شکری‌مقدم، اصغر و مهدی حسن‌پور (۱۳۹۲): سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق، تهران: شمیم دانش.

شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱): فقه سیاسی اسلام، ج ۱، تهران: بی جا.

صحیفه نور.

فارسی، جلال‌الدین (۱۳۷۳): زوایای تاریک، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

محمدی، منوچهر (۱۳۶۹): سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر دادگستر.

مقدر، هوشنگ (۱۳۷۰): سیاست بین‌المللی و سیاست خارجی، تهران: انتشارات مفهرس.

منصوری، جواد (۱۳۶۵): نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر امیر کبیر.